

هادی قائم‌مقامی: بیش از ۱۰۰ نفر از اعضا و کادرهای اتحادیه کمونیست‌های ایران تحت عنوان «سرمداران جنگل» شبانه وارد آمل می‌شوند تا این شهر را با استفاده از اسلح غافلگیری و با لباس‌های نظامی تحت عنوان طرح عملیات «اسب تروا» تسخیر کنند. مهاجمان گمان می‌کنند، مردم آمل با شنیدن صدای شلیک تیر و درگیری به آنها خواهند پیوست و در ادامه، سایر شهرها نیز قیام خواهند کرد و یک قیام سراسری شکل خواهد گرفت و کشور و انقلاب از خطر انحراف به دامان امپریالیسم نجات خواهد یافت!

در سال‌های ابتدایی انقلاب، بحران گروهک‌های مختلف، از توده، فدائیان خلق، خلق عرب، حزب خلق مسلمان، کومله، دموکرات و اتحادیه کمونیست‌ها در شهرها و مناطق مختلف زمینه‌های آشوب و اغتشاش را مهیا و نیز خسارت‌های فراوانی را به کشور وارد می‌کند. به نحوی که تا سال‌ها فضای امنیتی موجود در برخی مناطق باقی است و آرامش از مردم سلب می‌شود.

از گنبد تا پناه، از کردستان و آذربایجان تا سیستان و خوزستان، طعم تلخ فضای آشوب و اغتشاش را در دوران ابتدایی انقلاب چشیده‌اند.

پس از عزل بنی‌صدر از ریاست‌جمهوری و نیز ترور شخصیت‌های اصلی انقلاب در ۷ تیر و ۸ شهریور سال ۶۰ و نیز پس از پایان حملات مسلحانه منافقین (مجاهدین خلق) که به شکل فجیعی و شنیع‌تر از رفتارهای گروهک داعش در خیابان‌های تهران با تیغ موکتبری به مردم حمله‌ور می‌شده و آنان را سلاخی می‌کردند، در زمستان سال ۶۰ اوضاع کمی متفاوت‌تر است. اتحادیه کمونیست‌های ایران این بار تصمیم گرفته است تا نقشه دشمنان مردم ایران را از طریق شمال کشور عملی کند. در جریان‌هایی که بر ضد امام و یاران ایشان شکل گرفت بویژه تشکیل حزب جمهوری اسلامی ایران، این اتحادیه در کنار نیروهای مخالف نظام همچون سازمان مجاهدین خلق ایران، فدائیان خلق، کومله، سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر و... که رئیس جمهور، بنی‌صدر، در رأس آن قرار داشت حمایت کرده و تشکیل حزب جمهوری اسلامی را کودتایی در کشور و امام و یاران ایشان را جبهه ارتجاع نامید. یکی از اعضای این اتحادیه درباره این تغییر موضع چنین می‌گوید: «این تغییر مواضع برای اعضا هم جای سوال بود اما پاسخ این بود که این سوال‌ها رفته است و نباید روحیه‌تان ضعیف شود و اساساً این سوال‌ها را کفایت مطرح می‌کنند که بریده‌اند.»

پس از علنی شدن مشی مسلحانه ضدانقلاب، منافقین، اتحادیه کمونیست‌ها و... آنها برنامه‌ها و طراحی مبارزاتی خود را در خانه‌های تیمی و مخفیانه انجام می‌دادند و به‌اصطلاح از روی زمین به زیر زمین رفتند. پس از حادثه ۳۰ تیر و فرار بنی‌صدر و افزایش ترورها، طرحی به‌نام مالک و مستاجر اجرا شد که در پی آن، هر مالکی موظف بود که هویت مستاجر خود را یا ارائه‌شده‌نامه نشان دهد. اجرای این طرح باعث لو رفتن و شناسایی آنها شد. از طرفی هم پس از خروج رجوی و بنی‌صدر از کشور، هنوز خط خروج برای آنها آماده نبود. بنابراین بهترین مکان برای آنها جنگل‌های شمال کشور بود.

دلیل دیگر، تشکیل جبهه سوم بر ضد جمهوری اسلامی بود. ناصر میرزبایخی، از رهبران اتحادیه کمونیست‌ها مبدع این تیز بود. او معتقد بود که عراق در جنگ احتمالی، بخش عمده‌ای از امکانات و نیروی نظامی ایران را در جبهه اول به خود مشغول کرده است و مبارزات کردها در کردستان، جبهه دوم علیه نظام اسلامی است. بنابراین با ایجاد جبهه سوم، «اتحادیه کمونیست‌ها» می‌تواند در یک جنگ بدون مقاومت، نظام نوپای سیاسی را به ورطه سقوط بکشاند. به همین خاطر رهبران روشگرا اتحادیه کمونیست‌ها، جنگل‌های منطقه عمومی جنوب غربی شهر آمل را انتخاب کرده و به جولان در آن پرداختند. در این میان یک سوال اساسی وجود دارد؛ چرا آمل و جنگل‌های اطراف آن برای تحركات «اتحادیه کمونیست‌ها» انتخاب می‌شود. سرادگ شعبانی، فرمانده وقت سپاه آمل در این باره به ۶ دلیل عمده اشاره می‌کند:

اول آنکه آمل برای فعالیتهای آنها دارای عمق استراتژیک بود و به دلیل اینکه از کوه‌های جنگلی تالب دریا فاصله و عمق قابل توجهی داشت، برای جنگ و گریز خوب بود. شاخص مهم دیگر این بود که باید منطقه انتخابی به مرز نزدیک باشد. نکته دیگر قرمز بودن مناطق مشابه آمل بود یعنی در مناطق مشابه نظیر سیاهکل و لاهیجان، قبلاً سابقه درگیری وجود داشته و در آنجا پاسگاه دایر کرده بودند.

دلیل چهارم، وجود جاده هراز بود. یکی از عناصر این اتحادیه به‌نام بهمن شیردل می‌گفت دلیل انتخاب آمل، وجود جاده هراز بود. می‌گفت که اگر ما می‌توانستیم نیم‌ساعت جاده را ببندیم و اعلامیه‌ی بخش کنیم، چون که رادایو این اینگونه مسائل را پخش می‌کرد، همه ایران را متوجه خود می‌کردیم. ضمن اینکه جاده هراز، جاده استراتژیکی است که شمال را به مرکز، و مرکز را به مشهد متصل می‌کرد.

پنجمین ویژگی آمل این بود که آنها تمایل داشتند که مکان استقرار، قابلیت تقسیم شدن را از مرکز داشته باشد و آمل به دلیل وجود سلسله‌کوه‌های البرز، دارای این ویژگی بود.

در نهایت یکی از مهم‌ترین دلایل آنها برای



چرا نباید فراموش شود؟

هزار سنگر آمل و هزاران سنگر دل

را برگزیده بودند. همراه کردن مردم طبق طرح آنها، شبیه مدل مانو در چین بود. آنها معتقد بودند دشمنان اصلی‌شان در شهرها هستند و به‌وسیله تسلط بر روستاها و اتصال آنها به یکدیگر، می‌توانند شهرها را تهدید و به‌تدریج فتح کرده و به سمت مرکز حرکت کنند. همان کاری که مانو در چین انجام داد و با اتصال روستاهای دهقانی به هم و پی‌ریزی یک راهپیمایی بزرگ، پکن را فتح کرد. ضمن اینکه در روستاهای آمل به دلیل بیابلق و قسلاقی کردن مردم آمل، در زمان سرما هم که روستاها خالی از سکنه بود، مواد غذایی در خانه‌ها موجود بود که آنها می‌توانستند با همکاری چند امکانات ما از سوی اقشار مختلف مردم شهر تامین می‌شود؛ می‌گویند: بر این اساس ما فکر می‌کردیم طبقه کارگر و دهقان و گروهی از قشر بازار شهر آمل همه با ما هستند و پس از ورود به آمل ما را یاری خواهند کرد. آنها می‌گفتند اگر کسی با مشکلات همکاری نکند، بزرگ‌ترین خیانت را به انقلاب و مردم کرده است. ما تزهاری مختلف از جمله ایجاد شاخه و ترور شخصیت‌های بزرگ مملکتی و توطئه‌های گوناگون برای سرنگونی جمهوری اسلامی را به کار بردیم ولی همه آنها شکست خورد و امروز در محضر دادگاه حداقل خدمتی که می‌توانیم بکنم این است که با شجاعت اعتراف کنیم که ما بر حق نبودیم و به مردم خودمان خیانت کردیم.»

کمونیست‌ها اشتباه کرده بودند. آمل در ۶بهمن سال ۶۰، مقابل حمله مسلحانه آنها می‌ایستد و با «هزار سنگر» به دفاع از انقلاب می‌پردازد. فرمانده وقت بسیج آمل هم در این باره می‌گوید: کمونیست‌ها در تهران به این جمع‌بندی رسیدند که چنین زمینه‌ای فراهم نیست و مردم تهران آمادگی ندارند. خود اینها هم در تهران دچار مشکلاتی بودند، از جمله مشکلاتشان این بود که اینها باید در خانه‌های تیمی فعالیت می‌کردند اما عملاً بعد از ۳۰ خرداد رسماً نمی‌توانستند فعالیت داشته باشند و باید مخفیانه فعالیت می‌کردند. اینها دیدند که با این وضعیت نمی‌شود کار انجام داد از آن طرف هم باید حتماً چنین کاری را انجام داد؛ حتماً می‌گفتند چون کودتا شده دیگر زمانی نیست که ساکت بنشینیم، موقعیت بسیار مناسبی است چون نیروهای نظامی و پاسدارها در جنگ با عراق مشغولند و عده‌ای هم در کردستان با کومله و دموکرات‌ها می‌جنگند. اگر ما یک جبهه دیگر و سومی ایجاد کنیم دیگر پاسدارها و نظام در جبهه سوم آمادگی ندارند چون در ۲ جبهه می‌جنگند و اگر جبهه سوم را ایجاد کنیم مردم هم با ما هستند و به‌راحتی می‌توانیم با نظام مقابله کنیم.

ساعت ۲۳:۴۵ شب پنج‌م بهمن ۱۳۶۰ آخرین ساعات روز دوشنبه «گروه اتحادیه کمونیست‌ها» با شلیک یک موشک آری‌جی هفت و صدای ریگبار و تیراندازی به شهر حمله می‌کنند و در میان سازماندهی‌های خود در حمله به شهر یک اکیپ را مأمور می‌کنند تا با مردم آمل صحبت کنند و آنها را در قیام دخالت دهند. ۵ تیم ۲۰ نفره مأمور حمله به آمل و تصرف آن شدند «اتحادیه کمونیست‌های ایران» از لحاظ فکری، وامدار تفکر مائونیستی بودند. مشی این گروه قبل از انقلاب، صرفاً مشی سیاسی و فرهنگی بود که فعالیت‌های‌شان نیز بر این مبنا تعریف می‌شد اما پس از انقلاب و بویژه پس از عزل بنی‌صدر، سران این اتحادیه در اهداف و روش‌های

تغییر ساختاری دادند و مشی مبارزات مخفی و مسلحانه را در پیش گرفتند. شاخصه مبارزاتی این اتحادیه - که در ابتدا منشکل از ۵۳ نفر بود- مبارزات فیدل کاسترو و چه‌گوارا در امریکای لاتین بود. اما برای همراه کردن مردم، روش مانو در چین

آن می‌تواند برای رژیم اسلامی خطرناک باشد. این در حالی است که با توجه به اعتراف یکی از اعضا، در این مدت حتی یک نفر هم به قیام فوری نپیوست. این مساله از این لحاظ حائز اهمیت است که روشن‌سازی و جذب مردم علیه نظام یکی از اهداف این عملیات بود.

پس از این ماجرا، مقاومت‌کنندگان پیروز برای ارائه گزارش خدمت امام می‌رسند. نماینده آن زمان شهرستان آمل، در خلال گزارش خود می‌گوید که آمل به یک‌باره به شهر «هزارسنگر» تبدیل شد. از آن زمان به بعد، این لقب برای آمل ماندگار شد.

امام خمینی بعدها درباره مقاومت مردمی در آمل می‌گوید: «شما ملاحظه فرمودید که اینها در داخل تبلیغات زیاد می‌کردند، به خارج هم که رفت‌اند تبلیغات زیاد می‌کنند؛ به اینکه مردم در اختناقند و خودشان همه مخالفند با جمهوری اسلامی. در صد، شش تا موافق دارد جمهوری اسلامی، با فوقش ۱۰ تا، ولی سایرین همه موافق منفی و مخالف هستند. و دیدند که همه آمل‌شان را به شمال دوخته بودند و بیشتر تبلیغات این بود که شمال دیگر تقریباً صددرصد مخالف با جمهوری اسلامی هستند و اینها همه قوای‌شان را جمع کردند و به آمل آن حمله وحشیانه غافلگیرانه را کردند، به امید اینکه مردم آمل هم با آنها همدست بشوند و آمل را مرکز استان قرار بدهند بعد مازندران و جاهای دیگر و رشت و همه جاها را بگیرند و جلو بروند. اینها به خیال خودشان با دست ملت می‌خواستند- همان ملتی که آنها تراشیدند که مخالفند با جمهوری اسلامی- با اینها بیایند مرکز را هم بگیرند، حکومت را تغییر بدهند بعد هم هرطوری که دل‌شان می‌خواهد عمل بکنند، مرتجعین را هم از بین ببرند وقتی مواجه شدند با مخالفت مردم- مهم مخالفت مردم بود- آنکست خوردند و ما باید تشکر کنیم از شهر آمل و آن مردم فداکار که مع‌الأسف، خوب عده‌ای را هم شهید دادند، لکن خوب این مطلب را ثابت کردند که آنجایی که شما تمام آمل‌تان به آنجا بود، با شما مخالفند، حالا شما می‌خواهید بیایید چه؟ می‌خواهید بیایید تهران، جاهای دیگر؟»

حماسه مردم آمل در ۶ بهمن سال ۶۰ آنچنان تعیین‌کننده بود که امام(ره) در وصیتنامه سیاسی- الهی خود نیز از آن به نیکی یاد کردند؛ این حادثه هرچند از سوی مردم آمل شکل گرفت اما به‌عنوان سندی بر وفاداری ملت به آرمان‌های انقلاب در تاریخ ثبت شد.

رهبر معظم انقلاب نیز در بیاناتی با اشاره به حماسه مردمی شهر آمل گفته‌اند: «شهر هزارسنگر» این تعبیر کمی است؟ حرف کوچکی است؟ قضیه ششم بهمن انقدر اهمیت داشت که امام بزرگوار ما آن را در وصیتنامه تاریخی خود هم مندرج کردند، آن را یادگار گذاشتند یعنی فراموش کار خود را رها کرد و با چادر خود شن و ماسه می‌آورد. در نهایت در پی تدابیر عملیاتی سپاه تا ساعت ۱۰ صبح دشمن در بسیاری از حمله‌ها عقب‌نشینی و در منطقه اسبی کلا تجمع کرد. درگیری تا ساعت یک بعد از ظهر ادامه داشت که با پخش خبر کشته شدن کاک اسماعیل، فرمانده کل عملیات کمونیست‌ها، سازمان دشمن به هم می‌ریزد. نیروهای مهاجم با استراتژی «قیام‌فوری» قصد داشتند بر شهر آمل و سپس شهرهای دیگر مسلط شوند. اما مردم آمل به جای حضور در «قیام‌فوری» اتحادیه کمونیست‌ها اقدام به «واکنش‌فوری» در برابر آنها کردند. در صبح روز ۶ بهمن ۱۳۶۰ مردم آمل به محض شنیدن خبر، از روستاهای اطراف خود را به آمل رساندند و در طول کمتر از ۲ ساعت تمام شهر سنگربندی شد. حدود ساعت ۴ بود که بسیاری از مهاجمان کمونیست، کشته، مجروح و اسیر شده بودند. آنها قصد فرار داشتند و از مواضع خود عقب‌نشینی می‌کردند. سرانجام از ۹۵ نفری که به شهر حمله کردند، تقریباً ۸۷، جنازه و اسیر و مجروح باقی ماند و ۷ از آنها توانستند فرار کنند که حدود ۲ هفته بعد دستگیر شدند. در این ایستادگی مردمی ۴۰ نفر از جوانان و مردم آمل شهید شدند، در مقابل ۶۰ تن از ضدانقلاب‌ها کشته شده و گروهی نیز به اسارت گرفته شدند.

با وجود همکاری مردم با نیروهای بسیج و نظامی در مقابل نیروهای مهاجم، «رادیو صدای آزاد ایران» این جریان را معکوس نشان داده و آن را قیام مردم آمل معرفی کرد که به وسیله سلطنت‌طلبان ایران تحت کنترل چندساعته قرار گرفت. همچنین سایر خبرگزاری‌ها از جمله فرانسه ضمن تکرار این مطلب، آن را رویارویی شدیدی دانستند که تکرار



قراتن سخن کفرخواست توسط شهید لاجوردی در استان تهران

اشاره

کتابشناسی حماسه مردم آمل
شهر هزار سنگر ، عروس آسمان
 در بخشی از معرفی کتاب شهر هزار سنگر، از انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی آمده است: روایتی از مقاومت تاریخی مردم شهر آمل. صفحات کتاب تاریخ پر است از داستان‌های پایداری و ایستادگی منادیان حق و حقیقت در مقابل توفان سهمگین ظلم و کینه. داستان زشتی‌ها و زیبایی‌ها، داستان راست‌ها و دروغ‌ها و داستان واقعیت‌ها و مجازها... اما آنچه فرجام را رقم می‌زند، باقی ماندن حق است و رفتن باطل و چه زیباست سنت «جمال‌الحق و زهق‌الباطل ان الباطل کان زهوقاً»... پیروزی انقلاب اسلامی با دسیسه‌ها و ماجراهی فر فراز و تشبیهی در کشور مصادف شد که یکی بعد از دیگری، پس از برخورد با سد مستحکم و دیوار بلند اندیشه و عمل انقلابی امام و مردم منهدم می‌شد و تصویر مقاومت و بیداری ملتی به‌پاخاسته برای اسلام و قرآن را بر تارک تاریخ، منعکس می‌ساخت؛ تصویری که در زمینه خود رسوایی و سرافکندگی دشمنان پر ادعای ملت‌های مستقل و آزاد و در رأس آنان «شیطان بزرگ» را نشان می‌داد. مرکز اسناد انقلاب اسلامی در مجموعه دانستنی‌های انقلاب اسلامی برای جوانان، پیش از این کوشیده تا روایتی از این حماسه‌ها را به رشته تحریر درآورد که از آن جمله می‌توان به «طوطه بنی‌صدر»، «واقع‌ه طیبس»، «کودتای نوزده» و «اجرای مهدی هاشمی» اشاره کرد. اینک یکی دیگر از این قله‌های دوست‌داشتنی پایداری و بیداری، یعنی ماجرای حمله به شهر آمل از سوی گروهک «اتحادیه کمونیست‌های ایران» مورد بررسی واقع شده است. این واقعه، بیش از همه از ۲ نظر برجسته و الهام‌بخش است: اول به خاطر اوج مقاومت و حضور مردمی که خود با دست خالی، باشت دفع این توطئه و آزادی شهر از دست مهاجمان ناخوانده، بودند و این خود در کارنامه افتخارات شهر و اساساً ملت ما، نقطه و نکته غرور‌آمیزی است؛ ثانیاً آنچه جلب توجه می‌کند، عمق انگیزه و پندار آن گروهک ضدانقلابی است که واقعاً تصور می‌کرد مشغول آزادسازی یک شهر از اسارت یک نهضت و مکتب هستند، غافل از آنکه همین مردم، سال‌ها پیش از بیدار شدن عده‌ای از خواب زمستانی، اعتراض کردند، خودشان به‌پاخاستند، نهضت به راه انداختند، همان‌ها هم پیروز شدند، نظام اسلامی برقرار ساختند، قانون اساسی تصویب کردند و خودشان هم با جان و دل از آن پاسداری می‌کنند. در بخشی از این کتاب آمده است: در تهاجم پنجم بهمن به شهر، آنان قصد حمله به مقر سپاه، بسیج، دادگاه انقلاب، بستن جاده هراز در مدخل شهر، تصرف محله اسبی کلا و دعوت مردم به قیام را داشتند که به فرماندهی قرارگاه ابوالفضل(ع) در چالوس و امداد از نیروهای سپاه و بسیج شهرهای بابلسر، محمودآباد، لاریجان و بابل می‌گذرد، اما راه جمهوری اسلامی که عوض نشده است؛ دشمنان جمهوری اسلامی هم عوض نشده‌اند. پس اینجا آنجا اتفاق افتاد، می‌تواند برای امروز و برای آینده تا همر وقتی که ملت ایران به حول و قوه الهی دلبسته این اصول و این انقلابند، عبرت باشد، درس باشد، لذا نباید فراموش بشود. خب! حالا در فضایل ششم بهمن آمل یک جمله دیگر هم عرض کنیم. «هزار سنگر» یعنی چه؟ ظاهر قضیه این است که در درون شهر، مردم در مقابل گروه‌های اشراک و متجاوز سنگر درست کردند- حالا یا هازر تا، یا بیشتر یا کمتر- اما من یک تفسیر دیگری دارم. این سنگرها سنگرهای درون خیابان‌ها نیست، این سنگر دل‌هاست؛ هزار تا هم نیست، هزاران سنگر است؛ به عدد هر مؤمنی، هر انسان‌ب‌انگیزه باشفی، یک سنگر در مقابل تهاجم دشمن وجود دارد. اگر یک ملت وقتی به دنبال یک هدفی حرکت می‌کند، نداند سر راه او چه خطرانی است، چه کمین کرده‌هایی هستند، چه باید کرد در مقابل اینها، خود را رها کند، قید و بندهای خود را رها کند، بی‌خیال باشد، ضربه خواهد خورد. همه ملت‌هایی که در جهت یک هدف بزرگی حرکت کردند و وسط راه ضربه خوردند و گاهی آنچنان افتادند که دیگر قرن‌ها بلند نشدند، مشکلاشان از همین‌جا آغاز شد؛ ندانستند چی در انتظار آنهاست و خود را برای مواجهه با آن آماده نکردند. درس‌های گذشته این کمک را به ما می‌کند که راهمان را بفهمیم، بشناسیم، کمین‌ها را بشناسیم، کمین کرده‌ها را بشناسیم.

حماسه مردم آمل/ ستاد مرکزی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی/ ۱۳۶۱
 - حماسه اسلامی مردم آمل / پژوهشکده علوم دفاعی استراتژیک دانشگاه امام حسین(ع) / ۱۳۷۷
 - چهل خاطره / مهدی خانی / سپاه پاسداران انقلاب اسلامی / آمل / ۱۳۸۰.
 - آمل در گذر تاریخ/ مولف محمدرضا مداحی / املی / شلاک / ۱۳۸۱
 - شهر هزار سنگر (روایتی از مقاومت تاریخی مردم شهر آمل) / سمین رهگذر / مرکز اسناد انقلاب اسلامی / ۱۳۸۵.
 - اسناد اتحادیه کمونیست‌های ایران در واقعه آمل / علی کردی/ مرکز اسناد انقلاب اسلامی / ۱۳۸۶
 - عروس آسمان / علی‌اکبری سامانی/ نشر شاهد / ۱۳۸۷/